

محمد ابراهیم خلیل

مزار حضرت صالح

پسلسله مضمونیکه تحت عنوان (بعضی از مزارات متبرکه که) در شماره هفتم نگاشته بودم اینک تتمه آن:

در قریه زاهدان حکومت دولت آباد که از مرکز بطرف شمال شرق واقع است و با اندازه پنج کروه فاصله دارد زیارتیست مشهور بنام حضرت صالح علیه السلام این قبر در داخل یک گنبد خام متصل مسجد جامع شریف آنجا واقع میباشد، در صحن مسجد که تخمیناً دو جزیب زمین است منار بزرگ از خشت پخته و گچ که در حدود ۲۵ متر ارتفاع دارد، قطر دو منار مذکور ۱۸ متر تخمین میشود، در اندرون مناره مذکور با اصول اساسی مهندسی زینتهائی که روشندانهای اصولی دارد اعمار گردیده و ۴۶ پته مکمل است که انسان به سهولت میتواند بالای منار بالا شود، در دور این منار دو کمر بند از خشت پخته ساخته شده که نوشته دارد و حروف نوشته آن بطور ریختگی بداش پخته شده و در آنجا نصف گردیده در کمر بند تحتانی آنچه بمشکلی خوانده می شود قرار ذیل است:

«بسم الله الرحمن الرحيم»

یا ایها الذین آمنوا اذا نودی للصلاة من یوم الجمعة فاسعوا الی ذکر الله
 « بنا هذه المنارة الامیرا لاجل السید معتمد الدوله فخر الامه یا۔ مجدالامه
 لا بو جعفر محمد جلال الدین محمد ن الغازی »

در کمر بند فوقانی اسم مبار که (الله) بیک تر قیب خاص در دورادور منار مذکور بهمان نوع ریختگی پخته شد گی نصب گردیده .
چون بعبارت و جمله که سنه تعمیر ویا بیشتر از آنچه فوقاً نگاشته شد افاده مرام نماید بر نخوردیم از موسفیدان بعضی مطالب پرسیده شد و جوابی که داده اند مر قوم میگردد :

۱ - را بنع به سنه بناگنند اکثر مدققین از روی آثار موجوده سال بنا ی مذکور را (۷۶۰) حدت زده اند.

۲ - راجع بر موز و خواص پرسیده شد گفتند : یکی از خواص آن این است که اگر شخصی بالای آن بر آمده چند آیت قرآن عظیم الشان را خوانده ثوابش را بروح صاحب قبر بخشد و هر دو دست خود را به منار مذکور محکم گرفته حرکت بدهد حصه فوقانی آن بحرکت می آید یکی از فقهای هم سفر ما چند آیه مبارکه را قرائت نمود منار را حرکت داد منم کمی حرکت آن را حس نمود ولی دیگر رفقا در هر اس آمده مانع شدند .

۳ - از پیش آمد عجایب پر سیدم گفتند : عاشور نام شخصی مجاور اینجا بود از طرف بیرون منار از طرف تر قیب ساختمان خشت های منار استفاده کرده در سر منار بالا میشد و بنظرها کار محیر العقولی را ارائه میداد بالاخر در ضمن اجرای این عمل از بالای منار افتاده هلاک شد .

این بود مشاهده و معلومات فقیر راجع به زاری که در دولت آباد معروف بزیرت حضرت صالح علیه السلام است .

بجایگاه رفیع و عالی که در این مقاله به آن اشاره شد، بیعت با سرور و اولاد آن

بجایگاه رفیع و عالی که در این مقاله به آن اشاره شد، بیعت با سرور و اولاد آن

حضرت تمیم و حضرت جابر انصاری

دست گرامی ام آقای فکری-ملجوقی، در شماره عفتم مجله آریانا، زیر عنوان فوق مقاله نشر فرمودند اینک بنده ملاحظات خود را دران باره بعرض میرسانم:

(۱) از فتنه باطنیه در کتب تاریخ آنچه ذکر شده قتل و غارت و هلاک بسیاری از اهالی در زیر پایها و بالاخره حبس و بشهادت رسیدن شیخ عبدالهادی پسر حضرت شیخ الاسلام قدس سرهما در ۴ محرم سنه ۴۹۳ و دفن در قهندز و باز نقل دادن نعش در گاه زر گاه است. از فراری شدن هیچیک از اولادش بطرف کابل اشاره نشده چنانچه شرحی از روضات الجنات را آقای بشیر در رساله که در شرح حال حضرت خواجه قدس سره نگاشته و در سنه ۱۳۳۰ هـ ش در مطبعه هرات طبع شده، و همچنین در مقاله دانشمند محترم رضوی متصل بمقاله متذکره آنفاضل در همان شماره، بوضاحت نوشته شده که ملاحظه نموده باشند.

(۲) در توضیحات آقای رضوی در صفحه ۳۷ مجله این عبارت بصراحت آمده:

محمد زمچی در باره مزار جابر چنین گوید:

«... بزرگان بسیار چون شیخ الاسلام عبدالله انصاری و پسرش شیخ عبدالهادی ...»

و شیخ ابو عطیه جابر انصاری قدس الله اسرارهم آنجا آورده اند، از روضات ۵۰/۲

(۳) مقام صحابه بزرگوار رضی الله تعالی عنهم نزد عموم اهمیت خاصی دارد

حضرت جابر بن شیخ الاسلام فرضاً که در کابل وفات یافته باشد بعید مینماید

که در جنب حضرت تمیم رض جا داده شده باشد و لو که چنین می بود یعنی

حضرت جابر انصاری درینجا دفن میشد، عاشقان و عارفان که اولادشان معرفی

شده اند بلا شبهه در قرب و جوار همان مزار دفن میشدند نه در جای حاضره که

فیما بین فاصله زیاد است.

حال آنکه بنده بصورت یقین حضرات عاشقان و عارفان رانیز پسران حضرت جابر گفته نمیتوانم.

(۴) شهرت هزار حضرت تمیم رضی که به حضرت جابر زبانه زد عام است جابر انصار است نه جابر انصاری، فرق کلمه جابر انصار تا جابر انصاری بخوانند کان گرامی و آن نویسنده فاضل حاجت به توضیح ندارد، خود میدانند که حضرت

مخواجه پیر هرات قدس سره انصاری است نه انصار، چه رسد با ولاد امجدش، چنانچه در سنگی که بنای تعمیر سابق را الله و در دی خان در سنه ۱۲۲۷ هـ ق کرده نیز انصار است نه انصاری که بیت آن این است:

عرش اگر گویش سزد که درو هست آسود جا پیر انصار

(۵) حضرت شیخ الاسلام شهرت تام بخواجه و شیخ و پیر هرات دارد اولادش

نیز لقب شیخ الاسلام، شیخ، خواجه دارند ممکن نیست که بدون خواجه یا شیخ

تنها با اسم محضه نام شان باقی بماند حتماً یکی ازین القاب ضم یا نام شان میباشد

پس بعقیده ناقص فقیر مدفن حضرت جابر بن شیخ الاسلام پیر هرات خواجه

عبدالله انصاری قدس سرهما، در پهلوی حضرت تمیم رضی الله عنه قابل قبول

نیفتاد و بهمان شرح و بسطی که در کتاب مزارات کابل مؤلفه خود و مقالاتیکه

متوالیاً راجع باین موضوع در سنوات قبل بمجله آریانا و غیر آن نوشته ام یک

قبر را بصورت یقین از حضرت تمیم رضی دانسته مدفون قبر دیگر را فعلاً نامشخص

میدانیم، ممکن است روزی، کتابی، اثری بمطالعه یکی از ارباب علاقه برسد

و آنرا بطور یقین معرفی نماید از مبادرتیکه بتحریر این سطور شده امید است

جناب دوست فاضلم فکری معذورم دانند، اگر اثر و دلائلی بعدها بملاحظه

شان برسد ملتجی است بنگارش آن امتنان بخشند.

محمد ابراهیم خلیل